

جواب اول اشکال تقریب دوم مناقشه: انتزاع شهادت منحصر در ماذکر نیست

جواب دوم اشکال تقریب دوم: اشکال صغروی

اشکال تقریب سوم (تقدیم نقل اضبط):

مناقشه دوم نسخه ای: از جهت نسخ تهذیب

بحث در استدلال به معتبره معاویه بن عمار بود که در این روایت اطلاق خمر شده است بر عصیر مطبوخ

گفتیم در این استدلال دلالة و نسخه و سند اشکال شده است. از نظر نسخه گفتیم یک اشکال از ناحیه مقایسه با نسخه کافی بود.

اشکال از این جهت این بود که کلمه خمر در روایت کافی وجود ندارد که سه تقریب برای اشکال بیان شد.

اشکال تقریب دوم از شهید صدر بیان شد که در صورتی نقل هر یک شهادت به عدم صدور روایت دیگری است در جایی است که آن چه حذف شده است چیزی باشد که در معنای ما به الاشتراک تأثیری داشته باشد و الا اگر نقشی نداشته باشد شهادت به عدم دیگری نیست زیرا ممکن است تلخیص کرده باشد. مثل این که کسی به دیگری که در حال نوشیدن عصیر ثلثان نشده است بگوید امام صادق فرموده اند این را نخور. در این صورت عدم ذکر این که امام فرموده باشد این خمر است آن را ننوش مشکلی درست نمی کند و خلاف امانت نیست زیرا او فعلاً هدفش این نیست که نهی امام را به او برساند اما بیان علت آن و مقایسه با خمر هدف او نبوده است.

جواب اول اشکال تقریب دوم مناقشه: انتزاع شهادت منحصر در ماذکر نیست

این که ایشان می فرمایند شهادت فقط در جایی قابل انتزاع است از کلام منقص که کلامی که نقل نکرده است اگر نقل می کرد در فهم معنای ما به الاشتراک دخالت داشته باشد و الا شهادت قابل انتزاع نیست اشکالش این است که علت انتزاع شهادت منحصر در این نیست بلکه اگر ظاهر حال راوی و محدث این باشد که درصدد این است که کل ما صدر عن الامام در آن واقعه و در پاسخ سوال را نقل کند. حال چه ماصدر منه دخالتی در اجزاء داشته باشد یا نه. که ظاهر حال رواة و محدثین این است که همه را می خواهند بیان کنند. در این صورت نیز از کلام منقص انتزاع می شود که ماصدر عن الامام در جواب سوال همین مقدار بوده و بیشتر از این نبوده چه در جواب سوال دخالت داشته باشد یا نه. پس اگر جایی جمل دخالتی در فهم معنای دیگری نداشته باشد و یکی با نقیصه و دیگری با زیاده نقل کرد در این صورت نیز تعارض می شود.

علاوه بر این که داعی بر تقطیع و تلخیص در جایی که یک کلمه است داعی عقلائی نیست. و تقطیع در جایی که جملات زیادی وجود دارد ممکن است.

جواب دوم اشکال تقریب دوم: اشکال صغروی

سند از امام تا احمد بن محمد بن یحیی مشترک است.

سن تهذیب: احمد بن محمد بن محمد بن اسماعیل (ایشان ابن بزیع است نه سراج) عن یونس بن یعقوب عن معاویه بن عمار

سند کافی: محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن محمد بن اسماعیل عن یونس بن یعقوب عن معاویه بن عمار.

پس اختلاف در این است که کلینی توسط محمد بن یحیی العطار القمی که از مشایخ و اعظام است (والیته ایشان محمد بن احمد بن یحیی است که به اسم جدش مشهور شده است. ...)

حال در این صورت این کم و زیاد کردن یا از جانب شیخ طوسی است یا از جانب کلینی. یعنی محمد بن یحیی همان خمر لاتشریه نقل کرده است و کلینی خمر را حذف کرده است و این احتمال عقلائی ندارد زیرا به چه داعی در بایی که مربوط به احکام است این کلمه را حذف کند؟ این قضیه هم در جایی نبوده است که کلینی می خواهد کسی را نهی از منکر کند بلکه نقل روایات اهل بیت است که تا آخر دهر قرار است باقی بماند. و اگر چه این کلمه در فهم معنا اثری ندارد اما یک اثر روانی دارد یعنی چقدر نوشیدن خمر شنیع است عصیر هم این گونه است و اساسا این گونه تنزیلات برای همین مقصود است. بنابراین این احتمال بسیار بسیار ضعیف است.

اگر هم بگوییم کسی که برای کلینی نقل کرده است حذف کرده است که این نیز داعی ندارد.

بله اگر در اواسط سند بود و در جایی که روایتی را ما شک داریم که از محدثین به این معنا شناخته می شده اند یا نه در این صورت ممکن است احتمالاتی داده شود اما در مورد کلینی و شیخ و احمد بن محمد این احتمالات درست نیست.

بنابراین فرمایش شهید صدر خیلی بعید است هم کبرویا و هم از نظر تطبیقش در این روایت.

اشکال تقریب سوم (تقدیم نقل اضبط):

تقریب سوم این بود که نقل کلینی اماره عقلائیه بر عدم وجود کلمه خمر است زیرا کلینی اضبط از شیخ است.

شهید صدر اشکال فرموده اند که معلوم نیست معارضه بین شیخ و کلینی باشد که بگوییم معلوم است که کلینی از شیخ اضبط است. (به خاطر شهادتی که صاحب حدائق و صاحب معالم در مقدمه منتقى الجمان بیان کرده اند که در موارد بسیاری اشکالاتی در تهذیب وجود دارد ...) بلکه ممکن است کم و زیاد کردن از طرف محمد بن یحیی باشد.

در واقع چند فرضیه وجود دارد:

اول این که شیخ کلینی از کتاب احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی حدیث را برداشته باشد همان گونه که شیخ از آن کتاب برداشته است زیرا مبدو به این سند در تهذیب احمد بن محمد است. اما محمد بن احمد را آورده است زیرا واسطه در میان است. اگر این

فرضیه درست باشد بنابراین منقص خود کلینی خواهد بود زیرا شیخ و کلینی به خود کتاب مراجعه کرده اند و متفاوت نقل کرده اند در این صورت معارضه بین کلین و شیخ است.

دوم این که شاید کلینی مشافهتا از احمد بن محمد شنیده باشد یا این که محمد بن احمد از کتاب ابن عیسی استنساخ کرده باشد و آن را در اختیار کلینی قرار داده باشد. در این صورت و در احتمالات دیگر در این صورت معلوم نیست که کلینی ناقص نقل کرده باشد و آن چه معلوم است این است که کلینی اضبط است و در مورد بقیه نمی دانیم

علاوه بر این که احتمال دیگری هم هست که احمد بن محمد در سند شیخ و کلینی معلوم نیست که چه کسی است. بله مردد بین دو نفر یعنی ابن عیسی و ابن خالد برقی است اما این ممکن است یکی از ابن خالد نقل کرده و دیگری از ابن عیسی اشعری.

مناقشه دوم نسخه ای: از جهت نسخ تهذیب

از نقل وسائل و مجلسی دوم و فیض کاشانی استفاده می شود که در نسخه تهذیبی که در اختیار آنها بوده است کلمه خمر نبوده است. زیرا ایشان وقتی روایت در باب هفتم از ابواب اشربه محرمه حدیث چهارم نقل می کند ابتداء آن را بدون خمر از کلینی نقل می کند و بعد می فرماید و رواه الشیخ عن احمد بن محمد که نشان می دهد که عین همین عبارت در تهذیبی که در نزد صاحب وسائل بوده وجود داشته است.

همچنین مرحوم مجلسی در جلد 66 ایشان ابتدا روایتی را از کلینی نقل می کند و بعد می فرماید و رویا ... که همین حدیث را نقل می کند.

همچنین فیض در وافی ج 20 ص 655 روایت را از هر دو نقل می کند بدون کلمه خمر.

این که احتمال دهیم هر سه محدث غفلت کرده اند صحیح نیست.

حال اگر نقل اینها را مقدم بدانیم به این دلیل که طریق معنعن داشته اند در این صورت نسخه درست بدون خمر است اما اگر در این مبنا اشکال کنیم همان طور که ما اشکال کردیم در این صورت تعارض می شود.

بنابراین ثابت نمی شود علاوه بر این که مهمترین دلیل برای کسانی که عصیر را نجس می دانند همین کلمه خمر است که با این اشکالات متزلزل شد.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.